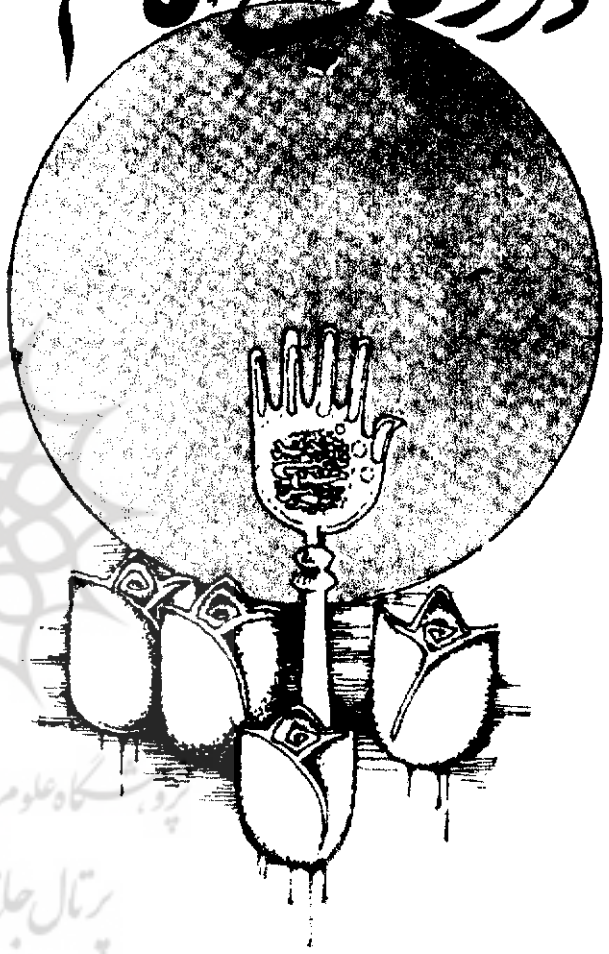




«وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَلَا تَخَافُونَ الْعَادَ فَكُونُوا حُرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ»

از مدینه تا کربلا، در رکاب امام حسین (ع)



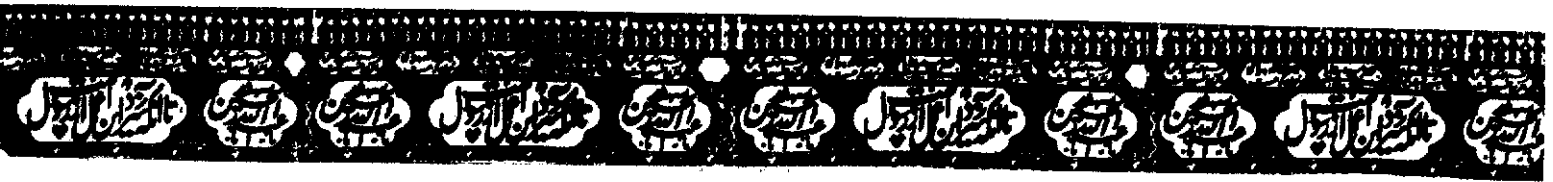
اگر برای شما دین و آئینی نیست و از روز قیامت ترسی ندارید لااقل در دنیا آزاد مرد باشد. ابری بران شدیم که ندای سرور شهیدان و رهبر آزادگان را دوباره در گوشهای پیکارگران راه الله در جبهه های خونین غرب و جنوب چون صور اسرافیل سلا زبیم و ندای مولایشان حسین بن علی (ع) را برفراز قله های پرافتخار غرب و دشتهای خونریز جنوب طنین انداز باشیم. ازی برای بیان پیام نهضت سرور شهیدان و هدف قافله سالار کربلا بهتر دیدیم با یادآوری کلامش از آغاز هجرت پربارش تا لحظاتی که خون گلرنگش به پای نهال اسلام ریخته شد در لحظه، لحظه های زندگی به یاد پیام و هدف او، سربازانی شایسته برای اسلام و لبیک گویانی استوار و صدیق برندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يُنصُرُنِي» حسین باشیم و اینک برای آشنا شدن هر چه بیشتر با کلام امام و آگاهی از انگیزه قیامش در رکاب مسافران کربلا به تامل در فرمایشات حضرتش می نشینیم.

مژده شهادت:

جون والی مدینه به فرمان یزید در گرفتن بیعت از امام یافشاری می نمود و امام چون به هیچوجه با بیعت موافق نبود سخت استادگی کرد و بقاصله یک روز یعنی بیست و نهم ماه رجب ۶۰ از مدینه بیرون آمد امام در شب بیست و نهم ماه رجب قبل از اینکه از مدینه بیرون بیاید بکنار قبره پیغمبر می رود و با آرامگاه بزرگمرد تاریخ بشریت وجد بزرگوار خویش وداع می کند در آنجاست که می گوید یا رسول الله یا جداد می دانی برای من چه بیش آمده، من دچار گرفتاری و مخصصه ای شده ام و باز تو می دانی که من رواج کار نیک را دوست دارم و از شیوع زشتی بیزارم، خطر عظیمی هستی اسلام و قرآن، آزادی و عدالت را تهدید می کنی. امام پس از مناجاتها و درددلها از خدای خویش راهنمایی می خواهد و چنین عرضه می دارد.

«اللهم هذا قبز نبيك محمد (ص) و أنا ابن بنت نبيك و قد حضرني من الأمر ما قد علمت اللهم أنتي أحب الأمر بالمعروف و أنكرو المنكر وأنا أسئلك يا ذالجلال والإكرام بحق القبر و من

اکون که محرم فرا رسیده است برای زنده نگهداشتن یاد شهدای کربلا و یادآوری پیام حسین عاشر را بران شدیم که یک روزی اجسامی از کلام سرور شهیدان از آغاز هجرت تا روزهای سرنوشت ساز اسلام و تاریخ بشریت بنمائیم. و دگر بار سرود مقلوبت و حمله بر لشکر کفر را با فریادهای الله اکبر هر چه طنین اندازتر نمائیم، بران شدیم تا بنگریم که پرچمدار نهضت خونین کربلا چگونه درس جهاد به تمامی انسانها و نسلهای خلف آینده داد و چگونه درس شهادت و پایمردی را بتاریخ تا آخرین لحظه بمناش امرجست؟ بران شدیم تا هر چه افزونتر خدای حسین را از میان فریادها و شیونهای خاندان رسول بشنویم تا کلامش اسوه زندگیمان و حجت خونهای ریخته شده بر طریق شرافت و ایثار باشد. امام در آخرین لحظات زندگی برغاصبان آزادی و حریت چنین فرمود:



فِيهِ الْأَخْتَرْتُ لِي مَاهُوَ وَلَكَ رَضَىٰ وَلِرَسُولِكَ
رضی:

یعنی پروردگارا این قبر پیغمبر تو است و من
فرزند دختر پیامبر تو هستم و برای من این حادثه
پیش آمده که تو خودمیدانی، پروردگارا، تو میدانی
من امر به معروف را دوست دارم و از منکر بیزاری
می جویم و من از تو مسئلت دارم و تو را بحق این
قبر و کسیکه در آن جای گرفته سوگند می دهم که
راهی به من بنمائی که در آن رضای تو و رضای
پیامبر تو است» (۱) آری امام تصمیم به قیام در
مقابل منکری دارد که سرچشمه همه منکرات است و
هستی اسلام و قرآن را بدون تردید به سقوط
همشگی و حتمی تهدید می کند نجات اسلام و
قوانین الهی احتیاج به حرکت و خون دارد. امام بعد
از مناجاتها و راز و نیازها به خواب می رود و جد
بزرگوارش او را امر به رفتن می کند. آری تو باید
قیام کنی و خدا می خواهد ترا کشته ببیند. حسین
(ع) در انشب مزده شهادت را از رسول الله می گیرد.
امام هنگام بیرون آمدن از مدینه یعنی روز بیست و
نهم ماه رجب سال ۶۰ هجری وصیتی نوشته و به
برادرش محمد حنیفه می دهد در این وصیت امام
علت و هدف نهضت را بیان می کند به شرح کلامش
می پردازیم.

درست خواهند کرد و نسبت خروج از دین به او
خواهند داد و برای جلوگیری از بر ملا شدن جنایت و
رسوایی خود قیام حضرت را تحریف خواهند نمود.
سیدالشهداء پس از اعتراف صریح به اصول اسلام
و ادای شهادتین علت قیام خویش را چنین بیان می
فرماید:

وَ اِنِّي لَمْ اُخْرَجْ اَشْرُو لَابْطَرِ اَوْلَامِقْسِدًا
وَلَا ظَالِمًا وَاِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْاِصْلَاحِ فِي اَمْرِ
جَدِّي (ص) اُرِيدَانِ اَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْتَهِيَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَاَسِيرُ بِسِيْرَةِ جَدِّي وَاَبِي عَلِيٍّ بِنِ
اَبِيطَالِبٍ:

یعنی من از روی سرکشی و طغیان و فساد و
تبهکاری بیرون نیامدم غرض و هدف من از این
نهضت فقط آنست که امر امت جدم را بصلاح آورم.
می خواهم راه امر به معروف و نهی از منکر و

بسوی او باز می گردم» (۲).

هجرت به مکه

آری منادیان حق و قائمین به قسط همیشه در
مقابل صف متحد ظلم و بیدادگری با توکل به الله و
نیرو گرفتن از قدرت لایزال الهی بر بساط شرمگین
انان تاخته اند و تا بساط ظلم و نامردمی برچیده نشود
روزگار شاهد هجرت ها و قیامهای حسین گونه
خواهد بود. امام بعد از چهار روز طی طریق یعنی
در روز سوم شعبان ۶۰ وارد مکه می شود، شهر
ابراهیم،

شوریده بر نمرودیان زمانش، آری او چون جد
بزرگوارش ابراهیم و جد پدر بزرگوار خویش قیامی
را برای نابودی سیه دلان و غاصبان ولایت آغاز
نموده و از هر فرصتی برای ایجاد زمینه گسترش
حرکت استفاده می کند و در مدتی که در مکه هست
یعنی از سوم شعبان تا هشتم ذیحجه جمعیت از

ما اهل بیت رسول خدا (ص) به آنچه خدا خوشنود باشد
خوشنودیم و هر چه او پسندد ما می پسندیم .

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذَا مَا أَوْصَىٰ بِهِ
الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بِنِ اَبِيطَالِبٍ اِلَىٰ اَخِيهِ مُحَمَّدٍ
الْمَعْرُوفِ يَا بِنِ الْحَنَفِيَّةِ، اَنَّ الْحُسَيْنَ شَهِيدَانِ
لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ
وَ رَسُوْلُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَاِنَّ الْجَنَّةَ
حَقٌّ وَا النَّارَ حَقٌّ وَاِنَّ السَّاعَةَ اَتَتْهُ لَارِيْبٍ فِيْهَا وَا
اِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُوْرِ:

بنام خدای رحمن و رحیم این است آنچه حسین
بن علی بن ابیطالب به برادرش محمد معروف به پسر
حنیفه می کند حسین گواهی میدهد که جز پروردگار
موجودی قابل پرستش نیست و از یکتا و بی
همتاست و نیز شهادت می دهد که محمد بنده او و
فرستاده اوست که دین حق را از جانب خدای حق
آورده است و بهشت و دوزخ حق اند و روز قیامت
می رسد و شکی در آن نیست و خداوند مردمانی را
که در قبرها دفن شده اند زنده می کند. امام با آگاهی
به اینکه بعد از شهادتش به کشتن او وجه قانونی

جلوگیری از فساد را در پیش گیرم و سیرت و روش
جدم رسول خدا (ص) و پدرم علی بن ابیطالب را
تعقیب کنم. و سپس امام چنین می فرماید:

فَمَنْ قَبِلَنِي يَقْبَلِ الْحَقَّ فَاللَّهُ اَوْلَىٰ بِالْحَقِّ وَاَنْ
رَدَّ عَلَيَّ اَصْبِرْ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَاَبِيْنَ الْعَوْمِ
بِالْحَقِّ وَاَوْحَيَّرِ الْحَاكِمِيْنَ وَاَهْذِهِ وَصِيَّتِي يَا
اَخِي اِيْلَكَ وَاَتَوْفِيْقِي اِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَا
اِلَيْهِ اَنْتَبِ:

هر که این دعوت و این هدف را از من قبول
کرد چه بهتر، خداوند در پذیرفتن حق سزاوارتر است
و هر که نپذیرد و بمن یاری نکند و با من به ستیزه
برخیزد صبر و مقاومت می کنم و این راه را اگر چه
یک تنه باشم بپایان می برم تا خداوند میان من و
میان این قوم بحق داوری کند و او بهترین داوران
است این است وصیت من برای تو ای برادر و توفیق
جز از خدای نخواهم و تنها بر او توکل می کنم و

اقتدار و اکتاف کشورهای اسلامی که خیر ورود
امام را به مکه می شنوند و می آیند. سید الشهداء از
فرست استفاده می کند و حقایق را که عمال بنی
امیه برایشان وارونه جلوه داده و با تبلیغات مسوم
اسلام را طور دیگری معرفی کرده اند روشن می کند
و پرده ها را عقب می زند و به مردم می فهماند که
حق چیست .

«الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا يَشَاءُ اللَّهُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ وَصَلَّى
اللَّهُ عَلَيَّ رَسُوْلِهِ، خَطَّ الْمَوْتَ عَلَيَّ وَاَلَدِ اَدَمَ مَخْطًا
الْقَلَادَةَ عَلَيَّ جِيْدًا لِقَاتَةِ وَا مَا اَوْلَيْتَنِي اِلَى اسْلَافِي
اِسْتِيَاقِ يَعْقُوْبَ اِلَى يُوْسُفَ، وَاخِيْرِي مَصْرَحِ اَنَا
لَا قِيَةَ، كَانِي بَاَوْصَالِي تَتَقَطَّعُهَا عَسَلَانِ اَلْفَلَوَاتِ
بَيْنَ النَّوَاوِيْسِ وَاكْرَبْلَاءِ فَيَمْلَأُنِ مِنِّي اَكْرَاشًا
جَوْفًا وَاَجْرِبَةَ سَبَابًا لِمَحِيصٍ عَنِ يَوْمِ خَطِّ بِالْقَلَمِ.
رَضِيَ اللَّهُ رِضًا نَا اَهْلَ الْبَيْتِ، نَصَبِيْرًا عَلَيَّ بِلَايَةِ

تورق بزیند



وَيُوفِينَا أَجْرَ الصَّابِرِينَ لَنْ تَشُدَّعَنْ رَسُولَ اللَّهِ
نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَأَجُلٌ مُصْبِحًا إِشَاءَ اللَّهِ:

یعنی ستایش خدا راست و هر چه خدا خواهد همان می شود هیچ قوه‌ای نیست جز بوسیله خدا. رحمت خدا بر رسول خدا باد. مرگ بر فرزند آدم نوشته شده است. مانند قلاعه بگرفتن دختر جوان و آدمی ناگزیر باید بپذیرد. بسیار علاقه مندم بدیدار رسول خدا و پدرم علی و مادرم زهرا و برادرم حسن، چنانکه یعقوب بدیدار فرزندش یوسف علاقه مند بود. برای من از طرف خدا شهادتگاهی برگزیده شده و من بدان می رسم گویا که می بسم گرگان بیابان های عراق میانوایس (قبرستان یهودیان در نزدیکی کربلا) و کربلا بنده بند بدن مرا از هم جدا می کنند و شکم های خالی و انبناهای میان تهی خود را از من پر می کنند از روزی که با قلم قضاء و قدر نوشته شده است گریزی نیست. ما اهل بیت رسول خدا (ص) به آنچه خدا خوشنود باشد خوشنودیم هر چه خواهد شد ما می پسندیم، ما به گرفتاری‌هایی که خدا پیش آورد صبر می کنیم و او پاداش صابران با عطا می فرماید (ما یاره تن رسول خدانیم) و یاره تن رسول خدا (ص) از او دور و جدا نخواهد ماند و در بهشت هر دو در یک جایگاه می شوند. چشم پیغمبر بدیدار ما روشن خواهد شد و بوعده خویش با ما وفا خواهد کرد. هر کس که با ما به داین جان حاضر است و هر کس که خود را برای ملاقات خدا و شهادت آماده کرده است با ما بیاید. من اشاء الله فردا حرکت خواهم کرد. (۳)

حرکت از مکه در مراسم حج

آری مردان خدا همیشه در رسیدن به لقاء الله شتابان و مسرورند و خشنودی خدای را بر خشنودی ظالمان زرپرست و صاحبان قدرت ترجیح می دهند زیرا خشنودی او فوز عظیم است. فرزند معاویه برای از میان بردن حسین (ع) نقشه‌ای شیطانی طرح کرده بود تا امام را بوسیله چند تن از جیره خواران خود در خانه خدا به شهادت برساند و حرمت خانه خدا را از بین ببرد اما سید الشهداء قبل از اینکه یزیدیان به هدف شوم خود برسند بدون اینکه اعمال حجشان را تمام کنند در روز هشتم ذیحجه مکه را به قصد سرزمین موعود، کربلائی تفتیده از گرمای سوزان آفتاب راهی می شود و قبل از آنکه به کربلا برسد در محلی بنام بیضه خطبه‌ای بیان فرمودند که راز قیام و روح نهضت خویش را روشن نمودند. امام کلام خویش را با حدیثی از رسول خدا این چنین آغاز

می کند.

«فَحَمْدُ اللَّهِ وَ اِثْنِي عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَامِ اللَّهِ، تَأْكُفًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ مَا عَلَيْهِ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْحَلُهُ:

یعنی ای مردم رسول خدا فرمود هر کس ببیند که حکومتی ستم پیشه کرده و به حریم قوانین الهی تجاوز می کند و عهد و پیمان خدا را در هم می شکند، یا طریقه رسول خدا مخالفت می ورزد و در عبادت خدا با گناه و تعدی رفتار می کند در چنین وضعی هر کس یا عمل و گفتار از تعدی و طغیان او جلوگیری نکند بر خدا حق است که چنین کسی را بجایگاه آن حکومت ستمکار برود و هر دو را عذاب در کشند. سپس امام در دنباله خطبه چنین می فرماید:

هَؤُلَاءِ فَذَلِمُوا إِطَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَرَكَوْا إِطَاعَةَ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْفِسَادَ، وَ عَطَلُوا الْحُدُودَ، وَ اسْتَأْثَرُوا بِالْفِئَةِ وَ أَحْلَوْا حَرَامَ اللَّهِ، وَ حَرَمُوا حِلَّاهُ، وَ أَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرٍ وَقَدْ أَتَيْتَنِي كُنُكُمُ وَ قَدِمْتُمْ عَلَيَّ رُسُلَكُمْ بِيَعْتِكُمْ أَنْكُمْ لَا تَسْلُمُونِي، وَلَا تَخْذَلُونِي، فَإِن قَسَمْتُمْ عَلَيَّ بِيَعْتِكُمْ تَصِيْبُوا رُسُلَكُمْ فَإِنَّا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ نَفْسِي مَعَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَهْلِي مَعَ أَهْلِكُمْ فِي أَسْوَدٍ

یعنی بدانید که اینان (یزید و عمال او) پیروی شیطان را در پیش گرفته اند و از آن جدا نمی شوند و طاعت خدا را پشت سر انداخته و بدستور او اهمیت نمی دهند، و آشکارا تبهکاری می کنند، حدود الهی را تعطیل کرده اند مال مسلمانان و خزانه مردم را بخود اختصاص داده اند حرام خدا را حلال شمرده و حلال خدا را حرام کرده اند، من از همه مسلمین شایسته تر هستم که در مقابل جلوگیری از اینکارها بر ایم نامه های شما بمن رسید و فرستادگانتان پیش آمدند و هر

دو از بیعت شما حکایت می کرد، نوشته بودید که مرا تسلیم دشمن نخواهید کرد و دست از یاری من بر نخواهید داشت اکنون در بیعت و تصمیم خود باقی باشید به خوشبختی و سعادت خواهید رسید چه من حسین فرزند علی و فاطمه ام خودم در این جهاد با شما خواهم بود و زنان و فرزندان من با زنان و فرزندان شما خواهند بود شما نیز باید در این نهضت از من پیروی کنید (۴) آری سرور شهیدان با تمسک به کلام رسول الله (ص) وظیفه درقبال حکومت‌های جائر و ستمکاران روشن می کند و بر تمامی تسلیم شدگان در برابر یزیدیان نوید عذاب و همنشینی با آنان را می دهد و نهضت خود را بعنوان حرکت مستمری در تاریخ تا محو یزیدیان بر هر مسلمانی وظیفه شرعی می شمرد و بر هر نسلی سکوت در مقابل غاصبان ولایت و شوریدگان برحق تنگ، و قیام را نشانه آزادی و پیروی از رسول الله می دانند.

ورود به کربلا:

امام به کربلا نزدیک می شود آری منادیان حق به قربانگاه می رسند و سیدالشهداء روز ورود به کربلا خطبه‌ای دارند که به شرح آن می پردازیم.

«إِنَّهُ قَدْ نَزَلَ بَيْنَ الْأَمْرِ مَا قَدَّرُونَ وَ أَنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا وَ اسْتَمَرَّتْ خِدَاءَ أَمَاتَرُونَ أَنْ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَيَبْتَاهِي عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ رَبِّهِ:

یعنی دنیا جور دیگری شده است دنیایی که محمد درست کرده و دنیایی که علی درست کرده وارونه شده است. دنیا دگرگون شده و زشت و ناپسند شده و اصلا نیکی از آن رخت بر بسته است.

انسان برای چه زنده است؟ آدم مؤمن برای این زنده است که بتواند به هدف خلقت برسد و بر طبق آن عمل کند (و ما خلقت الجن والانس الا ليعبدون) برای اینکه مردم را به معرفت خدا و پرستش و آوارد و خودش او را بشناسد و بپرستد آن پرستش یا بصورت عبادت است یا بصورت خدمت به مردم و بندگان خدا اگر روزگار طوری شد که دیگر این آدم معتقد و مؤمن نتوانست قدم خیری بردارد حیانتش دیگر معنی ندارد ولو تمام لذات برایش فراهم شده باشد. اما زنون ان الحق لا يعمل به: نمی بیند که دیگر به حق عمل نمی شود، نمی بیند که دیگر کسی، کسی را باطل



منع نمی کند این کار نتیجه اش چیست، نتیجه اش چنین می شود که آدم مؤمن عاشق مرگ می شود. آری عاشق مرگ! لیرغب المؤمن فی لقاء ربه برای اینکه از این زندگی سراسر فساد و خیانت رهائی یابد. سپس امام خطبه را با این گفتار به پایان می برد:

فَإِنِّي لَأَرَى الْمَوْتَ الْإِسْعَادَةَ وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بِرَمَاةٍ

یعنی مرگ را با اینوضع جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز دلگیری و ملالت نمی بینم. در لحظات وقوع پیکار نزدیک می شود و تاریخ خود را برای ضبط بزرگترین فاجعه بشریت آماده می کند امام دست بسوی ملکوت اعلی بر میدارد و با خدای خویش چنین سخن می گوید:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقَنَّى فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزْلٌ بِي ثِقَةٍ وَعِدَّةٌ، كَمْ مِنْهُمْ يَضَعُفُ فِيهِ الْفَوَاءُ وَتَقَلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ يَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَ يَسْتَمُ فِيهِ الْعُلُوُّ، أَنْزَلْتَهُ بَيْكٌ وَ شَكْوَتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةٌ مِنْتِي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرِّجْتَهُ عَنِّي وَ كَشَفْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ»

خدایا تو در هراندوه مورد اعتماد منی، تو در هر سختی مایه امید منی در هر امریکه بر من وارد آید مورد اعتماد و ذخیره ام تو هستی چه بسا غمها که در آن دل بست می شود و چاره کم می گردد و دوست در آنها آدمی را و می گذارد و دشمن شمانت می کند، من در آن غمها بدرگاه تو رو آوردم و بنوی شکایت نمودم و از دیگران اعراض کردم، تو آن غمها را از من برطرف ساختی پس تویی عطا کننده هر نعمت و صاحب هر نیکی و منتهای هر آرزو» (۶) این دعا حکایت از شخصیت والا و عظمت روحی سیدالشهداء دارد و اسوه برای پیروان آن حضرت در هر زمان که با الهام از فضائلش خود را حسین وارسازند چون لزوم استواری قلب تقرب به خدای تعالی است.

عاشورا فرا می رسد

(أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)

نبرد در حال شکل گرفتن است لشکر خصم در مقابل مردان خدا صف آرایی کرده و هر پیام آور حساسه ای نوین خواهد بود صحرانی سوزان و آسمانی به رنگ شرم و خورشیدی گدازان و هوائی آتش زا، اکنون این حسین است هموکه در دامن رسول خدا، ناجی بشریت بزرگ شده و همچون ابراهیم در موسم حج بروارث نمرودیان خروج کرده آری این حسین است اما بیکیس مانند نگین انگستری در محاصره خصم. مرگ مانند ازدهایی سهمناک برای فرو بردن او و یارانش دهان باز کرده و زنان و اطفالش یعنی ناموس و عترت رسول خدا

ای مردم رسول خدا فرمود هر کس ببیند که حکومتی ستم پیشه کرده و به حریم قوانین الهی تجاوز می کند وعهد و پیمان خدا را درهم می شکند و با تفرقه رسول خدا مخالفت می ورزد و در میان بندگان خدا با گناه و تعدی رفتار می کند در چنین وضعی هر کس با عمل و گفتار از تعدی و طغیان او جلو گیری نکند بر خدا حق است که چنین کسی را بجایگاه آن حکومت ستمکار ببرد و هر دو را به عذاب درگشند.

در معرض اسارت وحشی ترین مردان زمان قرار گرفته اند و از خیمه ها جز فریاد العطش و تمنای آب کودکان شنیده نمی شود. تاله اهل بیت وحشت زده امام دل سنگ راضی گدازد و دشمنان اسلام و قرآن از گذشتن چنین حالی برخاندان عصمت و طهارت شادمانند. زمان در تامل و اندیشه است و صفحه تاریخ منتظر ثبت، امام لبان خشک خود را در زیر اشعه سوزان آفتاب کربلا به سخن می کشاید و از

اینکه خدایش ناظر بر مصیبتهایی است که بر او و یارانش می رود شادمان و راضی است پس از حد و ثنای خدا و درود بر محمد (ص) و فرشتگان و انبیاء بگوردلان نادان چنین می گوید:

«هلاک و اندوه بر شما باد ای مردم که ما را با اشتیاق زیاد بیاری خود خواندید و ما هم به یاری شما شتافتیم همان شمشیر یکه ما بدست شما دادیم بروی ما کشیدید و همان آتشیکه ما برای نابود ساختن دشمن افروخته بودیم بر ما افروختید آنگاه با دشمنان خود همدست شده بر علیه دوستان و خیرخواهان خود گرد آمدید بی آنکه در میان شما عدالتی گسترده باشند و یا به آینده آنها امیدوار باشید وای بر شما چرا آنگاه که هنوز شمشیرها در نیام و دلها آرام بود در آتش فتنه فرو ریختند؟ (زیر سنگ بدبختیها) خورد و سائیده باشید، ای فرومایگان وای باقی مانده احزابی که با پیغمبر جنگیدید وای کسانی که سنتهای پیامبران را نابود ساخته اید آیا به یاری یزید و بنی امیه برخاسته و از یاری خاندان پیغمبر دست کشیده اید؟ آری بخدا قسم این حيله و بیوفایی در شما سابقه دارد، ریشه های شما بر مکر و عنبر پیچیده شده و شاخه شما از آن نیرو گرفته است شما پلیدترین میوه هستید که بار آمدید، و گلر گیر باغبان هستید ولی بخلق دشمن و غاصب راحت و گوارا فرو می روید سپس امام چنین می فرماید:

«إِنَّ الدَّعِيَّ بَيْنَ الدَّعَى قَدَرٌ كَرِيمٌ أَثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَةِ وَالذَّلَةِ وَ هِيَاهَاتِ مِمَّا الذَّلَّةُ، يَا بِيَّ اللَّهُ ذَلِكَ لِنَاوِرِ سُوْلِهِ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ حُجُورِ طَابَتِ وَ طَهَّرَتْ وَ أَنْوَفِ حَمِيَّةٍ وَ نَفُوسِ آيَةٍ مِنْ أَنْ تُوَكَّرَ طَاعَةَ النَّامِ عَلَى مَضَارِعِ الْكِرَامِ الْأَوَائِنِ زَا حِفِّ بِهَذِهِ الْأَسْرَةِ مَعَ قَلَّةِ الْعُدُوِّ حَذَلَةَ النَّاصِرَةِ»

پسر خوانده بنی امیه (ابن زیاد) که پدرش نیز پسر خوانده و ناپاک است مرا بر سر و راهی نگاه داشته مرگ یا ذلت! هرگز من تن بذلت نمی دهم و هیاهات که مذلت و زبونی اختیار کنم، نه خدا بذلت من راضی است و نه رسول او و نه مردان با ایمان و نه دامن باکی که مرا تربیت کرده است و نه صاحبان شهامت و غیرت و روح با مناعت، که راضی نمی شوند طاعت فرومایگان را برقتلگاه کریمان و رادمدان اختیار کند بدانید که من با این یارانم که کم اند یا شما خواهم جنگید. سپس امام اشعار یکی از صحابی (فروغ بن مسیک) را که نشان دهنده یک بقیه در صفحه ۶۷

کبود صابون...

در شهرستان ها و دهات نیروهای انسانی به کار مشغول شوند، نهایتاً اینکه ایجاد این نوع کارگاهها در شهرستان ها و دهات اشتغال زا است. شاید این سوال پیش بیاید که چرا در کارخانجات بزرگ با دستگاههای اتوماتیک صابون پس از ۴۸ ساعت و با صرف انرژی زیاد حاصل میشود و در واحدها با این دستگاههای ساده بیش از ۶ ساعت، باید گفت اول اینکه دستگاههای این کارخانجات قدیمی است و ما بر اساس تجربیات همین کارخانجات دستگاههای ساده تری که در بعضی موارد مثل مسئله انرژی با صرفه تر هست، ولی باید اذعان داشت که صابونی که در کارخانجات تولید میشود به علت کار بیشتر روی آن کیفیت بهتری دارد.

وی ادامه داد:

ما در اینجا ۴ نفر پرسنل داریم و روزانه با ساده ترین دستگاهها در شرایط خیلی معمولی ۱۵۰۰ عدد صابون تولید می کنیم، ما می توانیم این مقدار را با کوچکترین تغییری شاید به ۱۰ برابر برسانیم این تغییرات همانطور که عرض شد تهیه دستگاههای نورد، مخلوط کن، و فشار، می باشد که امیدواریم مسئولین در اختیار ما بگذارند.

برادر مردان در مورد برنامه های آینده و کار بر روی سایر اقلام پاک کنند و کلا کارهای انجام شده غیر از صابون گفتند. علاوه بر صابون بر روی موادهای شیمیایی و سایر مواد پاک کننده کار کردیم، از آن جمله مایع ظرفشویی و پودر لباسشویی می باشد، از اثر مواد شیمیایی روی ماده سقر و به نتایج مثبت رسیدیم، ماده سقر ماده اولیه بسیار خوبی است که در شهرستان های غرب کشور یافت می شود، از این ماده نتایج بسیار خوبی گرفتیم، در ماده سقر روغنی هست بنام الفانی که یک لاتکس دارد که از آن روغن الفانتین ماسی توانیم ۲۴ نوع مواد دیگر بدست بیاوریم، که هر کدام از این

ماده مصارف زیادی در صنعت داروسازی، نساجی، رنگ سازی و سایر صنایع کشور دارد.

تاکنون از این الفانیسین ماده های پن شن را بدست آوردیم، که در داروسازی مصرف دارد و در حال حاضر این سه ماده در نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفته، در این زمینه جزوه ای هم منتشر کرده ایم، کار بر روی ماده سقر از اساسی ترین کارهای ماست و در آینده سهمی داریم در کنار برنامه های اصلی که تولید اقلام بهداشتی است بر روی سایر مواد نظیر ماده سقر کار بشود و از این آزمایشگاه و امکانات حداکثر استفاده را بکنیم.

تامین نیاز بهداشتی روستاها

ما کارمان را با صابون شروع کردیم و کار را به صابون ختم نخواهیم کرد، بلکه برنامه های ما بر اساس نیاز بهداشتی روستاها می باشد. از نظر بهداشتی کردن روستاها، الان برنامه هایی در دست کمیته های بهداشت هست، متأسفانه به علت نبود امکانات در جهت بردن درمان به روستاها برنامه هائی هست که بهداشت را بتوان به روستاها برد، بهداشتی کردن هم مرحله اولش مسئله نظافت و مصرف صابون و سایر مواد پاک کننده و بردن آن به روستاها می باشد.

ما بعد از اینکه صابون را به مرحله عملی آن برسانیم یعنی ایجاد چنین واحدهای تولید کننده در مملکت عینیت پیدا کند، به جاهائی که حس بکنیم که قابلیت پذیرش مواد پاک کننده بیشتری دارند، می توانیم مواد دیگری را ارائه دهیم از جمله ماده ظرفشویی که در حال حاضر نمونه اش را درست کرده ایم و هنوز صد درصد کامل نشده و ما می توانیم این مواد را در شهرستان ها هم تولید کنیم، نمونه دیگری که از خانواده صابون هست، پودر لباسشویی است و بطور کلی امکان تولید هر نوع

مواد پاک کننده در امر مسائل بهداشتی در برنامه های ما وجود دارد و ما قدرت انجام اینکار را داریم.

تولید انواع صابون:

برادر مردان در پایان اضافه کرد از جمله برنامه های که مدنظر داریم ساختن صابون های مختلف است، صابون های سی که در حال حاضر می سازیم صابون های دستشویی و حمام هستند. ماسی توانیم صابون های دیگری بسازیم که pH آنها کمتر باشد و مخصوص بچه هست این نوع صابون و بطور کلی هر نوع صابونی را می توانیم بسازیم بطور مثال، صابون های گلیسرین دار برای پوست خشک، صابون هائی که در صنایع موارد مصرف دارد، در صنعت نساجی، صنایع فلزی، صابون های کیالتی و شیلکی و از این قبیل، یک نوع صابون برای کارگاهها در نظر گرفتیم و این صابون زبر هست که اصطلاحاً به آن صابون خاک اره ای می گویند از کارهای دیگری که کردیم، تولید صابون برای صنعت نساجی است که آنرا ارائه دادیم و به کارخانجات مختلف فرستادیم، متأسفانه نتایج آنرا به ما اطلاع ندادند، کار دیگر صابون مایع است که با موفقیت آنرا تمام کردیم و قابل مصرف هست در جاهایی که از صابون جامد نمی توان استفاده کرد و این صابون الان در نمایشگاه می باشد در خاتمه باید یادآور شوم که آزمایشگاهی که ملاحظه می فرمائید لازم نیست که در شهرستانی در کنار آن واحد چنین آزمایشگاهی باشد. و می توان در مراکز استان ها چنین آزمایشگاهی را فراهم کرد ولی برای پیاده کردن این کارگاه در شهرستان های کوچک و دورست، ضرورت ندارد چنین آزمایشگاهی در کنار آن کارگاه باشد.

والسلام

از مدینه تا...

دنیا عظمت و بزرگی است می خواند: اگر شما را شکست دادیم ما از قدیم چنین بوده ایم، تازگی ندارد و اگر با شکست روبرو شدیم باز مغلوب نشده ایم پیروزی در هر حال با حق است ما به ترس و کم دلی خونگرفته ایم و اگر کشته شویم مقدر چنان است که به شهادت برسیم و دیگران بولت رسند روزگار همین است نگاه که مرگ از جمله به مردمی باز گردد به جمع دیگری حمله می برد بدین جهت است که مرگ یزرگان قوم مرا همچون قرون گذشته فانی کرد و از بین برد اگر پادشاهان جهان جاوید بودند و اگر بزرگواران و مردان فضیلت همیشه زنده می ماندند ما نیز که مرد فضیلت و عظمت هستیم جاوید

می ماندیم به کسانی که امروز ما را برگزفتاری شماعت می کنند بگو بیدار باشید بزودی چنین روزی که ما داریم بشما می رسد. بخدا قسم بعد از من نمی مانید جز زمانی اندک به مقدار سوار شدن اسب، این فتنه شما را مانند آسیاب می چرخاند و چون محور آن مضطرب می کند، این خبری است که پدرم بمن از قول جدم داده است، پس کار خود را یکی کنید شریکانتان را گرد آورید تا کارتتان بر شما مایه اندوه و ندامت نگردد بعد درباره من آنچه می خواهید بکنید و مهلت ندهید من برخدا توکل کردم که پروردگار من و شماعت هیچ جنبه ای نیست مگر آنکه پیشانی آن بدست خداست و

پروردگار من به راه راست است. (۷)
این سخن ندای آزادی و منشور شرف و افتخار حسین (ع) است که با چهره سرخ پدیدار خداوند شتافت و تنگ و ذلت و پستی را بر خود نپسندید. آری آزاد مردان غیرتمند تا راه شهادت و مرگ با عزت و پرویشان باز است تن بخواری و مذلت نمی دهند. والسلام.

پارقی

۱- در سیکه حسین (ع) به انسانها آموخت: شهید هاشمی نژاد
۲-۳-۴-۵-۶-۷- مرد مافوق انسان: سید علی اکبر قریشی